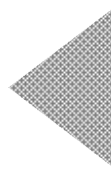


# آسیب‌شناسی توسعه روستایی از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی



احسان معصومی<sup>۱</sup>

داریوش حیاتی<sup>۲</sup>

حبیب احمدی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۹۸/۹/۲۹ - تاریخ تصویب ۹۹/۴/۲)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

## چکیده

توسعه روستایی دارای مباحث مهم و گسترده در زمینه‌های متنوع است. این مفهوم دارای طیف متنوعی از سطوح، ابعاد و مفاهیم می‌باشد. با توجه به این تنوع، توسعه روستایی یک علم بین‌رشته‌ای به شمار می‌رود. از این رو، مطالعه جامع توسعه روستایی نیازمند بهره‌گیری از علوم مختلف می‌باشد. به دلیل ماهیت انسانی توسعه روستایی، بهره‌گیری از علوم اجتماعی نسبت به سایر علوم از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. روان‌شناسی اجتماعی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی می‌باشد که در مطالعات توسعه روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه تأثیر‌گذاری و تأثیرپذیری فرد در اجتماع می‌پردازد و در همین راستا، کاربرد مهمی در مطالعات توسعه روستایی دارد. هدف این مطالعه مروری، آسیب‌شناسی توسعه روستایی از دیدگاه علم روان‌شناسی اجتماعی بود. در این راستا، ابتدا مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی مرتبط

۱- دانشجوی دکتری دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول). [ehsan.masoomi@shirazu.ac.ir](mailto:ehsan.masoomi@shirazu.ac.ir)

۲- استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

۳- استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

با توسعه روستایی شناسایی و پس از آن، آسیب‌شناسی توسعه روستایی بر مبنای این مفاهیم مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بیانگر این واقعیت است که بسیاری از ابعاد توسعه روستایی نیازمند ملاحظه مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی می باشد. مفاهیمی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند شامل ارزیابی نیاز، همنوایی، منبع کنترل و مبادله اجتماعی می‌باشند. نتایج نشان داد که مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، ظرفیت بررسی ابعاد متنوع توسعه روستایی را دارند. در پایان بر اساس یافته‌ها و نتایج پژوهش، پیشنهادات کاربردی در هر یک از زمینه‌ها ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** آسیب‌شناسی، توسعه روستایی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم اجتماعی

#### مقدمه

توسعه روستایی فرآیندی چندبعدی به شمار می‌رود (Wang et al., 2017). ماسلی (Moseley, 2004) توسعه روستایی را یک فرآیند باثبات و پایدار از تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی تعریف می‌کند که برای پیشرفت و بهبود بهروزی بلندمدت کل اجتماع طراحی شده است. بر اساس تعاریف و تعابیر توسعه روستایی، این مفهوم دارای ابعاد بسیار گسترده و جنبه‌های متنوعی می‌باشد. از سوی دیگر، هرروزه جنبه‌های نوینی از قبیل اقتصاد غیرزراعی، کشاورزی چندکارکردی، پایداری زیست‌محیطی (رضائی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵) به مفهوم توسعه روستایی اضافه می‌شود. جنبه‌ها، ابعاد و مفاهیم متنوع و گسترده توسعه روستایی بیانگر آن است که توسعه روستایی یک مبحث تک‌رشته‌ای نیست و برای مطالعه و بررسی تنوع گسترده مفاهیم آن، نمی‌توان تنها به یک رشته علمی اکتفا کرد. بازه موضوعی برای مطالعه توسعه روستایی، طیفی از مفاهیم فلسفی را به‌طور کلی در بر گرفته و به مفاهیمی می‌رسد که تا حد فنی جزئی شده‌اند. مطالعه هر کدام از این مباحث، نیازمند دیدگاه‌های متنوع در علوم مختلف می‌باشد. بنابراین، توسعه روستایی یک علم بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود و در مطالعه آن باید از علومی استفاده شود که هم‌راستا با مفاهیم توسعه روستایی باشد. به‌عنوان مثال، علوم انسانی و اجتماعی در مطالعات توسعه روستایی کاربرد بسیار زیادی دارد و دلیل آن هم این است که هر دو رشته، مخاطب خود را انسان قرار داده و به مطالعه رفتار او می‌پردازند (Chambers, 2014). یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی است که علی‌رغم ظرفیت

بالایی که برای کاربرد در مطالعات توسعه روستایی دارد، بهره‌گیری چندانی از این رشته صورت نگرفته است.

روانشناسی اجتماعی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که اثرات افراد بر رفتار یکدیگر در زندگی جمعی را مطالعه می‌نماید (احمدی، ۱۳۹۳). همچنین، ارونسون (۱۳۹۵) معتقد است که روانشناسی اجتماعی به دنبال بررسی نفوذ مردم بر عقاید و رفتار یکدیگر می‌باشد. توسعه روستایی دارای مباحث بسیار زیادی است که لازم است از جنبه روانشناسی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. زیربنا و اساس مفاهیم توسعه روستایی حول محور فرد و نقشی که او در اجتماع دارد و همچنین تأثیراتی که اجتماع بر فرد می‌گذارد می‌چرخد. بنابراین، مطالعات رفتاری در زندگی روستایی بسیار اهمیت دارد، زیرا ماهیت کار و زندگی مردم روستایی به شکل قابل ملاحظه‌ای، اجتماعی است (Vanclay, 2004).

توسعه روستایی علاوه بر ابعاد و مفاهیم متنوع و گسترده، دارای سطوح مختلفی نیز می‌باشد. از نظر جافی (Jaffee, 1998)، توسعه دارای چهار سطح فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی است. در سطح فردی، عامل توسعه، فرد معرفی می‌شود و در سطح سازمانی، اجتماعاتی که افراد تشکیل می‌دهند، عامل اصلی توسعه شناخته می‌شوند. اما در سطح ملی، نهادهای گسترده و وسیع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند دولت و سایر دستگاه‌های تصمیم‌گیری عامل توسعه هستند. در سطح بین‌المللی، نظام جهانی مهم‌ترین عامل توسعه محسوب می‌شود و سازوکار کشورها با یکدیگر، روند توسعه‌یافتگی آن‌ها را تعیین می‌کند. روانشناسی اجتماعی به مطالعه اثرات فرد در اجتماع و اثرات اجتماع بر فرد می‌پردازد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این رشته، ظرفیت تأثیرگذاری در دو سطح مهم از توسعه را دارد. علم روانشناسی اجتماعی، هم به دنبال بررسی رفتار فرد و هم بررسی رفتار اجتماع می‌باشد. از همین‌رو، می‌تواند دارای نقش مهمی در دو سطح فردی و سازمانی توسعه باشد. با وجود دستاوردهای مهم روانشناسی در عرصه‌های مختلف و مرتبط با توسعه و توسعه روستایی، این مفهوم هنوز جایگاه چندانی در مباحث و مطالعات توسعه روستایی ندارد و از آن بهره‌گیری نمی‌شود. مفاهیم روانشناسی اجتماعی و مباحث توسعه روستایی هم‌راستا هستند و قابلیت مطالعه توسعه روستایی بر مبنای مفاهیم روانشناسی اجتماعی وجود دارد. از این‌رو، هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی توسعه روستایی از دیدگاه علم روانشناسی اجتماعی می‌باشد. در راستای این هدف، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش

است که چگونه می‌توان با استفاده از علم روان‌شناسی اجتماعی به مباحث و آسیب‌های توسعه روستایی پرداخت.

### روش پژوهش

مطالعه حاضر از جمله پژوهش‌های مروری می‌باشد. در این مطالعه سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از روان‌شناسی اجتماعی، به آسیب‌شناسی توسعه روستایی پرداخته شود. بنابراین، باید از آن دسته مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی بهره گرفته شود که با مفاهیم توسعه روستایی، مرتبط باشند. از این رو، این مطالعه در دو مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول، به شناسایی آن دسته از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شده است که مرتبط با مباحث توسعه روستایی هستند و در مرحله دوم، آسیب‌شناسی توسعه روستایی بر اساس مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی که در مرحله قبل شناسایی شده‌اند، انجام شده است. مشکلات توسعه روستایی با استفاده از منابع مرتبط و استناد به مطالعات انجام شده در این زمینه معرفی شده و تحلیل و آسیب‌شناسی آن بر مبنای مفاهیم مستند از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی انجام شده است.

### رویکردهای نظری روان‌شناسی اجتماعی مرتبط با توسعه روستایی

ایجاد ارتباط میان روان‌شناسی اجتماعی و توسعه روستایی، نیازمند شناسایی ابعاد مشترک میان این دو رشته است. روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرد در گروه می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، توسعه روستایی نیز دارای مباحثی است که نیازمند توجه بر اثرگذاری افراد بر زندگی جمعی یکدیگر می‌باشد (Child, 2012). بنابراین، جنبه‌های مشترک میان این دو رشته به مفاهیمی مربوط می‌شود که مربوط به زندگی جمعی افراد باشد. از این رو، برای شناسایی مفاهیم مشترک، لازم است به آن دسته از مفاهیم و نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شود که با زندگی جمعی افراد در محیط‌های روستایی در ارتباط باشد و مهم‌تر از آن، با فرآیندهای توسعه روستایی هم‌مسیر باشد. از این رو، ابتدا باید مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی شناسایی شوند و پس از آن به ارتباط این مفاهیم با توسعه روستایی پرداخته شود. ارونسون (۱۹۹۹)، مفاهیم هم‌نوایی؛ درک و شناخت؛ توجیه خود؛ پرخاشگری انسان؛ پیش‌داوری؛ و دوست داشتن را به‌عنوان مفاهیم موجود در حیطه روان‌شناسی اجتماعی معرفی می‌کند. ملتون (Melton, 1983) مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند منبع کنترل، ارزیابی نیاز و

بنیادگرایی مذهبی برای معرفی روان‌شناسی اجتماعی بهره می‌گیرد. احمدی (۱۳۹۳) به ارائه مفاهیمی از قبیل انسان و حیوان؛ خود؛ همنوایی؛ و پیش‌داوری و تبعیض می‌پردازد. با توجه به ابعاد مهم توسعه روستایی، می‌توان مفاهیم ارزیابی نیاز<sup>۱</sup>؛ همنوایی<sup>۲</sup>؛ منبع کنترل<sup>۳</sup>؛ و مبادله اجتماعی<sup>۴</sup> را به‌عنوان مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی در ارتباط با ابعاد جامع توسعه روستایی مطرح نمود.

مناطق مختلف روستایی، با مشکلات متفاوتی روبه‌رو هستند. در هر گامی از برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی لازم است که ابتدا اولویت‌های روستایی شناسایی شوند و بر مبنای آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد. مفاهیم ارزیابی نیاز، می‌تواند به شناسایی این اولویت‌ها کمک کند. ارزیابی نیاز، عنصر اصلی فرآیند برنامه‌ریزی، ارائه و ارزشیابی خدمات محسوب می‌شود و بدون نیازسنجی نمی‌توان در ارتباط با قطع، ادامه یا جایگزینی اجزای برنامه‌های توسعه روستایی تصمیم‌گیری نمود (Henggeler, 1983). بنابراین، مفهوم ارزیابی نیاز در روان‌شناسی اجتماعی، با فرآیندهای توسعه روستایی هم‌راستا بوده و می‌توان از این مفهوم برای آسیب‌شناسی توسعه روستایی بهره گرفت.

جامعه‌شناسان کلاسیک از قبیل هربرت اسپنسر، امیل دورکیم و فردیناند تونیس (Tonnies, 1957) سعی داشتند تا جوامع را به دو دسته شهری و روستایی تقسیم کنند و حرکت از روستا به شهر را عامل توسعه می‌دانستند. آن‌ها در توصیف جوامع روستایی از عباراتی مانند همگن بودن، جوامع مکانیستی و سایر واژه‌هایی استفاده می‌کردند که بیانگر شباهت زیاد در بین افراد روستا بود. هرچند مسیر توسعه از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک، مورد نقد قرار گرفت، اما توصیف آن‌ها از شباهت موجود در جوامع روستایی همچنان مورد قبول است. مردم روستایی، شیوه زندگی بسیار مشابهی دارند و در بین آن‌ها، ارزش‌ها، تجربیات و رفتارهای مشترک، به‌وفور مشاهده می‌شود (رضوی‌زاده، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی، افرادی که رفتار متفاوتی از خود نشان دهند، تک‌رو به شمار می‌روند و از جانب سایرین طرد خواهند شد. همچنین، اگر عامل جدیدی

۱ - Need assessment

۲ - Conformity

۳ - Locus of control

۴ - Social exchange

در روستا نفوذ کرده و مردم روستایی را به واکنش وادارد، همه از واکنش اکثریت پیروی می‌نمایند. این مسئله در علم روان‌شناسی اجتماعی، با مفهومی تحت عنوان هم‌نمایی قابل‌بررسی است. هم‌نمایی، رفتار سازگارانه افراد یک جامعه در راستای حفظ ارزش‌ها و رفتارهای مشترک در آن جامعه است (ارونسون، ۱۹۹۹).

بسیاری از تئوری‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی به دنبال ایجاد تغییر در زندگی روستاییان هستند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رویکرد پارادایم‌های توسعه روستایی به سمت مشارکتی بودن این مفهوم و فرآیندهای آن سوق یافت (Chambers, 1994). فرض غالب از آن زمان به بعد، این بود که روستاییان قادرند به‌عنوان بهره‌های اصلی اهداف و فرآیندهای توسعه روستایی ایفای نقش کنند و به‌جای مخاطب منفعل، به ذینفعی فعال در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی تبدیل شوند. در واقع، فرض اصلی توسعه روستایی به سمتی رفت که روستاییان قادرند شرایط زندگی خود را خودشان تعیین کنند و بر رویدادهای مختلف زندگی خود اثرگذار باشند. این همان مبحثی است که در روان‌شناسی اجتماعی با مفهوم منع کنترل، بررسی می‌شود. منبع کنترل، مترصد پاسخ به این پرسش است که فرد به چه میزان به قدرت اثرگذاری بر زندگی خود، باور دارد؟

مبحث ارتباطات در روستا (بین روستاییان و همچنین بین کنش‌گران و روستاییان) در راستای ارتقای مشارکت و همچنین بهبود اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی مدنظر است. در مباحث توسعه روستایی همواره تأکید بر آن است که چگونه می‌توان میان کنش‌گران بیرونی توسعه روستایی و ذینفعان درونی در روستا به بهترین شیوه ممکن، ارتباط برقرار نمود (Homans, 1974). این بحث در سایه مفهوم مبادله اجتماعی در روان‌شناسی اجتماعی قابل‌بررسی است. بر اساس این نظریه، فرد در هنگام گزینش، آن دسته از کنش‌های اجتماعی را بر می‌گزیند که برای او نتایج ارزشمندی را داشته باشد و احتمال رسیدن به نتیجه‌های بهینه را بیشتر سازد (Chambers, 1994). از این رو، با این مفهوم می‌توان به مناسب‌ترین کنش‌های اجتماعی (در میان روستاییان و همچنین کنش‌گران و روستاییان) در زمینه توسعه روستایی پرداخت.

اکنون می‌توان با در دست داشتن مفاهیم مرتبط روان‌شناسی اجتماعی و مباحث روستایی، به آسیب‌شناسی توسعه روستایی بر اساس این مفاهیم پرداخت.

## مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

### ارزیابی نیاز

اولین نکته در ارتباط با ارزیابی نیاز این است که نوع نیاز و همچنین سنجش آن در نواحی مختلف روستا و شهر متفاوت است. این در درحالی است که پژوهش‌گران، نیازهای این دو ناحیه متفاوت را به‌طور مشابه ارزیابی می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۹۷۹). به‌عنوان مثال، ساکنان روستایی در مطالعه کریستسنون (Christenson, 1974)، نگران مسائلی از قبیل فرصت‌های استخدام، تسهیلات رفاهی، فرصت‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی برای بچه‌ها، کهنسالان و معلولان بودند. از طرف دیگر، نگرانی ساکنان شهری، مسائلی از قبیل آلودگی آب‌وهوا، کاربرد داروهای غیرقانونی، کفایت فشار قانون، حمل‌ونقل عمومی و تناسب نژادی را شامل می‌شد. از این‌رو، برای برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی، لازم است که تفاوت ارزیابی نیاز در نواحی شهری و روستایی مورد توجه قرار گیرد و نیازسنجی‌های انجام گرفته در نواحی شهری، مبنای برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی قرار نگیرد.

از بین نظریه‌های مرتبط با مفهوم نیاز، می‌توان به نظریه آبراهام مازلو تحت عنوان سلسله‌مراتب نیازها اشاره کرد. به اعتقاد مازلو، نیازهای فیزیولوژیک (شامل آب، غذا، پوشاک و ...)، ابتدایی‌ترین نیازهای انسان هستند که در صورت رفع آن‌ها، نیازهای انسان وارد سطح نیازهای ایمنی (مانند امنیت نسبت به خطرات جانی، مالی و ...) می‌شود. در صورت پاسخ به نیازهای ایمنی، سطح نیازهای اجتماعی (پذیرش به‌وسیله گروه‌های اجتماعی، احساس تعلق و ...) ظهور می‌کند. پس از این مرحله، انسان وارد سطح چهارم نیازها می‌شود که همان نیاز به احترام (هم به نفس خود و هم از طرف دیگران) است و در نهایت، عده معدودی نیز با پاسخ به تمام سطوح نیازها، وارد سطح نیاز به خودیابی می‌شوند و به دنبال تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خود هستند (Maslow, 1968).

بر مبنای این نظریه، می‌توان تئوری‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی را مورد کنکاش و آسیب‌شناسی قرار داد. گاهی اوقات، تأکید تلاش‌های توسعه روستایی بر این است که به یک نیاز خاص در روستاییان پاسخ دهند، بدون این‌که توجهی به سایر نیازها داشته باشند. به‌عنوان مثال، یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌های کنش‌گران توسعه روستایی، تأکید بر آموزش است؛ تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران، ماهیت فعالیت‌های ترویج و توسعه روستایی را آموزشی

می‌دانند (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۹؛ نوروزی، ۱۳۹۷). از این رو، بسیاری از فعالیت‌های توسعه روستایی بر آموزش روستاییان معطوف می‌شود. برای آموزش، ابتدا باید نیاز به یادگیری در مخاطب وجود داشته باشد. این در حالی است که چایلد (Child, 1999) معتقد است نیاز به یادگیری جزء بالاترین سطوح نیاز است. جارویس (۲۰۰۳) در پاسخ به چایلد، اشاره می‌کند که نیاز به یادگیری بالاترین سطح نیاز نیست اما به بالاترین سطح، بسیار نزدیک است. بنابراین، برای پرداختن به این نیاز، لازم است که نیازهای سطوح قبل آن رفع شده باشند. این نشان می‌دهد که در صورت عدم انجام ارزیابی نیاز، بسیاری از تلاش‌های آموزشی توسعه روستایی بی‌فایده خواهد بود؛ زیرا افرادی که دارای نیازهای فیزیولوژیک، امنیتی و حتی اجتماعی هستند، نسبت به یادگیری، احساس نیاز نخواهند کرد. بنابراین، برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای سطوح پایین‌تر، باید قبل از برنامه‌ریزی‌های آموزشی برای توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد.

تلاش‌های توسعه روستایی باید بر مبنای شناخت سطح نیاز مخاطبان باشد؛ اما این موضوعی است که در روان‌شناسی مطرح می‌شود. مسئله مهم در ارتباط با ارزیابی نیاز در روان‌شناسی اجتماعی این است که نیاز ایجاد شده در افراد، به چه میزان تحت تأثیر سایر افراد است و تا چه اندازه، نیاز فردی می‌باشد. به‌عنوان مثال، ممکن است نیازهای فیزیولوژیک (آب و غذا و پوشاک) به معنای کلی در یک فرد روستایی رفع شده باشد، اما او همچنان در قیاس با سایر افراد، در این زمینه احساس نیاز نماید. اسچیمل (Schimmel, 2009) بیان می‌کند که حساسیت بالایی در ارزیابی سطح رضایت و شادمانی افراد وجود دارد. زیرا افراد همواره خود را در یک مقایسه اجتماعی قرار داده و احساس رضایت آنها از رفع شدن یک نیاز در نتیجه این مقایسه به سرعت از بین می‌رود و این باعث می‌شود که سطح نیاز جدیدی در فرد ایجاد شود. این مسئله بسیار مهمی است که به‌ویژه در محیط‌های روستایی و در مباحث توسعه روستایی باید مورد ملاحظه قرار گیرد؛ زیرا زندگی روستایی همگنی بالایی دارد و مردم روستایی به‌شدت از هم تأثیر می‌گیرند (Vanclay, 2004). بنابراین، تعریف نیاز و همچنین نوع ارزیابی نیاز باید با ملاحظات عرفی و فرهنگی همان منطقه روستایی انجام پذیرد و این دیدگاه به روان‌شناسی اجتماعی نزدیک‌تر است.

### همنوایی

همنوایی به‌نوعی نفوذ اجتماعی گفته می‌شود که تحت آن افراد به‌منظور پیروی از دیگران و هنجارهایی که به آنها تعلق دارند و برآوردن انتظاراتشان، نگرش‌های خود را تغییر می‌دهند



(Baron & Byrne, 1984). این مفهوم به آسیب‌شناسی بسیاری از مباحث توسعه روستایی کمک می‌کند. یکی از این مباحث، فرآیند پذیرش نوآوری است. همواره مطالعات پذیرش نوآوری‌ها، بر روی ویژگی‌های فردی، روانشناختی، اقتصادی، ویژگی‌های نوآوری، کانال‌های ارتباطی و ... منعطف شده است (راجرز، ۲۰۰۰). بر همین اساس نیز مخاطبان نوآوری‌ها، به گونه‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند که حاصل آن، ایجاد طبقات قراردادی ناکافی است. به این معنی که افراد متعلق به هر کدام از طبقات مختلف نوآوران، اکثریت زودپذیر، عقب‌مانده و ... ممکن است به جز پذیرش یا عدم پذیرش نوآوری، ویژگی دیگری نداشته باشند؛ به گونه‌ای که ممکن است در یک گروه پذیرنده، افراد مختلف و متفاوتی از نظر جنسیت، نژاد، اندازه مزرعه، شیوه زراعت، وضعیت مالکیت، مسئله کنترل آفات و ... وجود داشته باشد. بنابراین، در بسیاری از موارد، طبقه‌بندی‌هایی که از گروه‌های پذیرا یا افراد در برخورد با فناوری‌ها یا نوآوری‌ها انجام می‌گیرد، قراردادی می‌باشد و این مسئله، غیرمحمول است که افرادی که در یک طبقه قرار می‌گیرند، آمال و آرزوها و فرصت‌ها و موانع قابل‌مقایسه‌ای با هم داشته باشند. در نهایت، این نوع طبقه‌بندی برای استفاده و به‌کارگیری کانال‌های ارتباطی یا روش‌های ترویجی برخورد با افراد درون طبقات، کاربرد محدودی خواهد داشت.

بررسی این مبحث از دیدگاه مفهوم همنوایی در روان‌شناسی اجتماعی دارای اعتبار بیشتری خواهد بود. دیدگاهی که بر اساس آن، تصمیم‌گیری در ارتباط با پذیرش یا عدم پذیرش نوآوری توسط یک فرد روستایی، تحت تأثیر تصمیم‌گیری سایر روستاییان است. به این معنی که افراد برای هم‌رنگ شدن با سایر روستاییان، نوآوری را موردپذیرش یا عدم پذیرش قرار می‌دهند. ارونسون (۱۹۹۹) آزمایش‌های متعددی را گزارش می‌دهد که بیانگر احترام و علاقه به افراد هم‌رنگ در گروه‌های اجتماعی و طرد شدن افراد ناهم‌رنگ از این گروه‌ها می‌باشد. ونکلی (Vanclay, 2004) معتقد است که کشاورزان و روستاییان، دلایلی مشروع برای عدم پذیرش دارند و یکی از این دلایل را "فقدان زیرساخت‌های اجتماعی" مطرح می‌کند. زیرساخت اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی کشاورزان و روستاییان بازمی‌گردد که بانک دانش را برای آنان به وجود می‌آورد. برای یک روستایی، اطلاعات جمع شده به‌وسیله سایر روستاییان، مهم‌تر از اطلاعات و خدمات ترویج و توسعه روستایی است. ونکلی اشاره می‌کند که به‌جز برخی روستاییان و کشاورزان تک‌رو، هیچ فرد روستایی نمی‌خواهد فعالیتی را به‌تنهایی انجام دهد، زیرا

از حمایت اجتماعی برای بحث در رابطه با مشکلاتشان محروم می‌شود و این همان مفهوم همنوایی است. این در حالی است که بر اساس تئوری‌های رایج در فرآیند پذیرش نوآوری‌ها، به‌عنوان مثال، افراد نوآور (که معادل با همان افراد تک‌رو هستند) نمونه‌های بسیار ارزشمندی تلقی می‌شوند و عمده تمرکز تلاش‌های توسعه روستایی به سمت آن‌ها معطوف می‌گردد. ملاحظه مفاهیمی چون همنوایی، در شناخت فرآیند و سازوکار مباحثی مانند پذیرش نوآوری‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. این مفهوم کمک می‌کند تا به مفاهیمی مانند پذیرش، به صورت جمعی نگریسته شود. همان‌گونه که راجرز (۲۰۰۰) معتقد است که ماهیت پذیرش در نظام اجتماعی تعریف شده و یک فعالیت جمعی محسوب می‌شود.

مفهوم همنوایی، علاوه بر فرآیند پذیرش نوآوری، در آسیب‌شناسی سایر مباحث توسعه روستایی نیز کاربرد دارد. مباحثی از قبیل پذیرش پروژه‌های توسعه روستایی، همکاری در این پروژه‌ها، مشارکت، فعل‌وانفعالاتی مانند تعاونی، فعالیت‌هایی مانند مدیریت جمعی منابع طبیعی و سایر فعالیت‌های جمعی و اجتماعی، قابلیت آسیب‌شناسی در سایه مفهوم همنوایی در روان‌شناسی اجتماعی را دارند.

### منبع کنترل

مفهوم منبع کنترل، در تئوری یادگیری اجتماعی مطرح می‌شود و از آن برای توصیف باور فرد نسبت به توانایی خود برای اثرگذاری در رویدادهای زندگی استفاده می‌شود. این مفهوم، به دو نوع منبع کنترل درونی و منبع کنترل بیرونی قابل دسته‌بندی است. فردی که دارای منبع کنترل درونی است، رویدادها را ناشی از عواملی می‌داند که تحت کنترل اوست. اما یک فرد با منبع کنترل بیرونی، علت رویدادها را به عواملی بیرون از خود نسبت می‌دهد (Lefcourt & Martin, 1983). چنین مفهومی در مباحث توسعه روستایی بسیار حائز اهمیت است. در هر فعالیت و سازوکاری در زمینه توسعه روستایی، لازم است که مشخص شود که مردم، علت رویدادها را به چه چیزی نسبت می‌دهند.

یکی از مباحثی که در زمینه توسعه روستایی با مفهوم منبع کنترل، ظرفیت آسیب‌شناسی دارد، سازگاری روستاییان در مقابل تغییرات بزرگ مانند تغییرات اقلیم و خشکسالی می‌باشد. تلاش‌های سازگاران در مقابل چنین تغییراتی، به نوع نگرش مردم نسبت به ریشه‌های آن‌ها وابسته است. به‌عنوان مثال، چنین تلاش‌هایی برای روستاییانی که به صورت خرافی به ریشه‌های این

مسئله نگاه می‌کنند، بی‌فایده خواهد بود. چنین افرادی، برای کنترل چنین وضعیت‌هایی، به توانمندی‌های خود باور ندارند. در نتیجه، فعالیتی نیز در آن راستا انجام نخواهند داد. اگر روستاییان قدرگرا بوده و هر رویدادی را غیرقابل گریز تصور نمایند، هیچ فعالیتی در مقابله با چنین پدیده‌هایی انجام نخواهند داد.

با استفاده از مفهوم منبع کنترل، آسیب‌شناسی فرآیند تصمیم‌گیری روستاییان نیز قابل‌بررسی است. از نقطه‌نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، بسیاری از فعل‌وانفعالات در نواحی روستایی، ناشی از تصمیمات جمعی می‌باشد (Vanclay, 2004). این تصمیمات جمعی، منابع مختلفی دارند. برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی، شناسایی منبع تصمیم‌گیری مردم از اهمیت بالایی برخوردار است. اساس تصمیم‌گیری مردم نیز به این مسئله وابسته است که آنان، علل و پیامدهای مسائل مختلف را به چه عواملی نسبت می‌دهند؟ آیا آن را در کنترل خود می‌بینند و یا در کنترل سایر عوامل؟ از این‌رو، اگر در تلاش‌های توسعه روستایی سعی بر آن باشد که روستاییان، علل و پیامدها را به‌درستی شناسایی کنند و منشاء آن را پیدا کنند، می‌توان این انتظار را داشت که در راستای آن تصمیم صحیح‌تری را اتخاذ نمایند.

با استفاده از مفهوم منبع کنترل، بسیاری از مباحث توسعه روستایی قابل‌بررسی است. مباحثی مثل فقر، کیفیت زندگی، مهاجرت و ... از قبیل مباحثی هستند که چگونگی رخ دادن آن‌ها بستگی به نوع نگاه مردم روستایی به این پدیده‌ها و ریشه‌های آن‌ها دارد (آهنگری، ۱۳۹۷؛ Karte, 1983).

نگرش در ارتباط با منبع کنترل در میان صاحب‌نظران در زمینه توسعه روستایی نیز مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، راجرز (Rogers, 1965) روستاییان را با ویژگی‌هایی توصیف می‌کند که عبارتند از نداشتن روحیه نوآوری؛ عدم اعتماد به روابط فردی؛ اهمیت قائل نبودن برای زمان؛ قوم‌گرایی؛ گرایش محلی و خانوادگی؛ پایین بودن سطح آرزوها؛ ترجیح دادن منافع آنی به منافع آتی؛ و فقدان همدلی. چنین برداشتی از ویژگی‌های روستاییان، نشان از ذهنیت جبرگرایی برای روستاییان دارد. نتیجه چنین تفکری این است که روستاییان، تغییر نخواهند کرد و همیشه در سطح محدود خود باقی می‌مانند. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، چنین ذهنیتی به این معنی است که روستاییان قادر نخواهند بود بر هیچ‌کدام از شرایط زندگی خود تأثیر گذاشته و آن را بهبود بخشند.

در طرف مقابل، ونکلی (Vanclay, 2004) چنین اندیشه‌ای در ارتباط با روستاییان را محکوم می‌کند و معتقد است روستاییان سبک زندگی ویژه‌ای برای خود دارند و جهان‌بینی آنان متفاوت است. وی روستاییان را افرادی خردمند می‌داند که به شرایط زندگی خود واقف هستند و در مورد این شرایط، اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری نسبت به متخصصان توسعه روستایی دارند. ونکلی معتقد است که اگر روستاییان در برابر برخی تغییرات مقاومت می‌کنند به دلیل عقب‌ماندگی آنها نیست، بلکه آنها به‌طور دقیق و بر مبنای عقلانیت، قادر به سنجش پیامدهای آن تغییر هستند و صلاح خود را به‌درستی در مقاومت نسبت به آن تغییر می‌بینند. حال می‌توان پیش‌بینی نمود که اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی با ذهنیت عقب‌مانده بودن روستاییان و یا ذهنیت خردمندانه بودن تصمیم‌گیری‌هایشان، به چه نتایجی ختم می‌شود. با فرض عقب‌ماندگی روستاییان، آنها در تأثیرگذاری بر زندگی خود ناتوان فرض می‌شوند و پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی عملاً کاربرد خود را از دست می‌دهند و ماهیت این برنامه‌ها و پروژه‌ها غیرممکن خواهد شد.

### مبادله اجتماعی

در نظریه مبادله اجتماعی، اعتقاد بر آن است که فرد در مقابل رفتار اجتماعی خود انتظار پاداش دارد تا این رفتار را ادامه دهد (Homans, 1974). هر کنش اجتماعی دارای پاداش و هزینه‌هاست و این کنش، زمانی رخ می‌دهد که دو طرف کنش‌گر، احتمال دریافت پاداش را از انجام کنش خود پیش‌بینی کنند. نظریه مبادله اجتماعی بر این فرض بنا شده است که کنش انسان همیشه در راستای به دست آوردن بیشترین پاداش و به حداقل رساندن هزینه‌هاست. مفروضات این نظریه بر این پایه استوار است که هدف افراد از کنش اجتماعی، ارضای نیازهای شخصی، احساس خشنودی مطلوب، دریافت پاداش عاطفی و غیره می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۳). این کنش در حلاء انجام نمی‌شود و افراد در قبال دریافت پاداش، هزینه‌ای نیز پرداخت خواهند کرد (King, 2012).

مبادله اجتماعی در روان‌شناسی اجتماعی بیانگر اهمیت اصولی است که مورد تأکید توسعه محلی در مفاهیم توسعه روستایی است. مفهومی که سابقه بسیار طولانی در ادبیات توسعه دارد و همچنان به‌عنوان یک مبحث اساسی مورد توجه است (قادری و همکاران، ۱۳۹۵). اصل اساسی توسعه محلی آن است که تلاش‌های توسعه روستایی باید پاسخگوی نیازهای محلی باشد.

به عبارت دیگر، هر منطقه روستایی، شرایط ویژه خود را دارد و تلاش‌های توسعه روستایی باید باملاحظه این شرایط، از محلی به محل دیگر متفاوت باشد (Bessière, 1998). توجه این مسئله آن است که مردم روستایی باید احساس کنند که با اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، منفعت ملموسی به آن‌ها رسیده است تا به اجرای این‌گونه فعالیت‌ها مجوز دهند و حتی در آن مشارکت داشته باشند (Dumitrica & Dinca, 2015). این همان مفهوم پاداش برای تسهیل کنش اجتماعی در بین روستاییان است که تحت عنوان مبادله اجتماعی مطرح می‌شود.

پاداش، مفهوم مهمی برای کاربرد مبادله اجتماعی در توسعه روستایی خواهد بود. یکی از آسیب‌های مهم در زمینه پاداش، آن است که در خلال برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی، پاداش ملموسی برای مخاطبان آن در نظر گرفته نمی‌شود. ونکلی (Vanclay, 2004) بیان می‌کند که دولت همواره از کشاورزان می‌خواهد تا در مدیریت منابع طبیعی سرمایه‌گذاری کنند. کشاورزان نیز این کار را انجام می‌دهند. اما لازم است که این فعالیت‌ها، مورد قدردانی و ارزش‌گذاری قرار گیرند. باید به مردم روستایی ثابت شود که دولت و مردم شهر برای تقاضایی که در زمینه حفاظت از محیط‌زیست دارند، هزینه می‌کنند.

تمرکز ویژه مبادله اجتماعی بر کنش‌گران است و در مبحث توسعه روستایی، این تمرکز بر کنش‌گران تلاش‌های توسعه روستایی خواهد بود. بنا به این مفهوم در روان‌شناسی اجتماعی، کنش‌گران توسعه روستایی همواره باید توجه ویژه‌ای به تأیید اجتماعی داشته باشند. به این معنی که کنش‌های اجتماعی روستاییان را در جهت‌های مطلوب، مورد تأیید قرار دهند. احمدی (۱۳۹۳) معتقد است که تأیید اجتماعی یکی از قوی‌ترین پاداش‌ها برای فرد در انجام کنش است، زیرا پذیرفته شدن کنش‌های اجتماعی فرد، مشروعیت پیدا کردن آن‌ها هم‌نوا با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی باعث می‌شود او در رابطه‌های اجتماعی خود با دیگران احساس شادمانی و لذت کند.

یکی از مثال‌های مهم در توسعه روستایی، مفهوم مشارکت است. اگر روستاییان، در ازای مشارکت در تلاش‌های توسعه روستایی مورد تأیید اجتماعی قرار گیرند، به معنی آن است که آن‌ها پاداش این کنش اجتماعی خود را دریافت نموده‌اند و این مسئله می‌تواند برای تشویق سایر افراد به مشارکت، تأثیرگذار باشد (پناهی و عالی‌زاد، ۱۳۸۴؛ پناهی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۳). این مفهوم در توسعه فعالیت‌هایی مانند تعاونی، همکاری در پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی و

سایر کنش‌های اجتماعی مانند مدیریت جمعی منابع طبیعی مؤثر است. همان‌گونه که اشاره شد، هر کنش اجتماعی برای فرد، پاداش‌ها و هزینه‌هایی دارد. کنش‌گر توسعه روستایی باید در تلاش برای افزایش احتمال دریافت پاداش‌ها از سوی روستاییان و بهینه کردن هزینه‌ها در کنش‌های اجتماعی مرتبط با توسعه روستایی باشد.

### نتیجه‌گیری

توسعه روستایی دارای مفاهیم، ابعاد، سطوح و فرآیندهای متنوعی است که برای مطالعه آن، نیازمند بررسی از چشم‌اندازهای مختلف است. این مسئله، توسعه روستایی را به یک علم بین‌رشته‌ای تبدیل کرده است و ملاحظات علوم مختلف در پیشبرد آن لازم است. روان‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است که در آن به مطالعه رفتار اجتماعی فرد در گروه و تأثیری که افراد بر اثر زندگی جمعی بر رفتار یکدیگر دارند، پرداخته می‌شود. تأکید این رشته بر مباحثی است که در توسعه روستایی حائز اهمیت است. بنابراین، می‌توان از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی در مطالعات توسعه روستایی بهره گرفت. از این رو، هدف این مطالعه، آسیب‌شناسی توسعه روستایی با استفاده از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی بوده است. در این راستا، ابتدا مباحث متنوع روان‌شناسی اجتماعی معرفی شد و از بین آن‌ها، مفاهیم مرتبط با توسعه روستایی انتخاب شدند. این مفاهیم عبارت بودند از ارزیابی نیاز، هم‌نوایی، منع کنترل و مبادله اجتماعی. سپس با استفاده از این مفاهیم به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه روستایی پرداخته شد.

مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، ظرفیت بررسی مباحث متعددی را در زمینه توسعه روستایی دارند. این مباحث، شامل تمام مواردی می‌شوند که به‌نوعی به مطالعه رفتار فرد در اجتماع خود می‌پردازند؛ مواردی از قبیل مشارکت؛ تصمیم‌گیری؛ تفاوت اجتماعات روستایی و شهری؛ تغییرات اقلیمی؛ آسیب‌پذیری و سازگاری؛ بحران منابع طبیعی؛ فعالیت‌های زیست‌محیطی؛ تعاونی؛ آموزش و یادگیری؛ مدیریت‌های جمعی و اجتماعی منابع؛ کنش‌گری و تسهیلگری؛ پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی؛ مهاجرت؛ ارتباطات؛ فقر؛ کیفیت زندگی و سایر مواردی را شامل می‌شود که به‌نوعی مرتبط با مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی هستند و مفاهیم این رشته، می‌تواند به‌عنوان معیاری برای آسیب‌شناسی این قبیل مباحث، به‌منظور بهبود تلاش‌های توسعه روستایی در روستاها عمل نماید.

هر کدام از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، دارای شاخه‌های متعدد و مفاهیم فرعی گسترده‌ای هستند که لازم است برای آسیب‌شناسی عملیاتی و سازگار با شرایط خاص هر منطقه روستایی، از آن مفاهیم استفاده شود. به‌عنوان مثال، ضد هم‌نوایی از مفاهیمی است که در مبحث هم‌نوایی در زمینه توسعه روستایی، قابلیت کاربرد در برخی موارد را داراست. مفاهیم به‌کاربرده شده در این مطالعه، تمام مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی قابل‌استفاده در توسعه روستایی را شامل نمی‌شود و همچنین تمام جنبه‌ها و مباحث توسعه روستایی در این مطالعه، مورد آسیب‌شناسی قرار نگرفته است. مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی به یک بعد خاص از مباحث توسعه روستایی اختصاص ندارد. این مفاهیم قابلیت بررسی در بسیاری از ابعاد، فرآیندها، اهداف و زمینه‌های نظری توسعه روستایی را دارند. از این رو، جای فعالیت در زمینه سایر مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی و آسیب‌شناسی سایر ابعاد و مباحث توسعه روستایی، وجود دارد.

## منابع

- احمدی، ح. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ارونسون، ا. (۱۹۹۹). *روان‌شناسی اجتماعی* (مترجم: شکرکن). تهران: رشد.
- آهنگری، ع.، علانی، ر.، و بختیاری، ص. (۱۳۹۷). ارزیابی استحکام اثر توسعه مالی بر فقر و نابرابری. *راهبرد توسعه*، شماره ۵۶، ص ۱۳۴-۱۰۵.
- پناهی، م.، و عالی‌زاد، ا. (۱۳۸۴). تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۲۸، ص ۱۳۱-۸۹.
- پناهی، م.، و یزدان‌پناه، م. (۱۳۸۳). اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۲۶، ص ۱۰۷-۶۹.
- جارویس، پ. (۲۰۰۳). *آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم* (غلامعلی سرمد، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راجرز، ا. (۲۰۰۰). *رسانش نوآوری‌ها: رهیافت میان فرهنگی* (عزت‌اله کرمی و ابوطالب فنایی، مترجمان). شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رضائی مقدم، ک.، و کرمی، ع. (۱۳۸۵). ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر (Path Analysis). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال دوم، شماره اول، ص ۷۲-۵۵.
- رضوی‌زاده، ن. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۳۱، ص ۱۱۴-۱۱۱.

- شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۳). **اصول ترویج و آموزش کشاورزی (رشته اقتصاد کشاورزی)**. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قادری، ص.، فاضلی، م.، و پاک‌سرشت، س. (۱۳۹۵). راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان. **توسعه محلی (روستایی-شهری)**، دوره هشتم، شماره اول، ۵۷-۸۸.
- نوروزی، ا.، مهدوی، د.، و توکلی، خ. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی. **راهبرد توسعه**، شماره ۵۴، ص ۱۵۹-۱۳۴.
- Baron, R. A., & Byrne, D. E. (1984). *Social psychology: Understanding human interaction*. **Allyn & Bacon**.
- Bessière, J. (1998). Local development and heritage: traditional food and cuisine as tourist attractions in rural areas. **Sociologia ruralis**, 38(1), 21-34.
- Chambers, R. (1994). The origins and practice of participatory rural appraisal. **World development**, 22(7), 953-969.
- Chambers, R. (2014). *Rural development: Putting the last first*. **Routledge**.
- Childs, A. W. (Ed.). (2012). *Rural psychology*. **Springer Science & Business Media**.
- Christenson, J. A. (1974). Rural-urban Problems in North Carolina. **Miscellaneous extension publication/North Carolina agricultural extension service**, (113).
- Dumitrica, C. D., & Dinca, D. (2015). Integrated homogeneous development, result of an interdisciplinary approach. **Journal of Public Administration, Finance and Law**, (8), 34-44.
- Henggeler, S. W. (1983). Needs Assessments in Rural Areas Issues and Problems. In **Rural psychology** (pp. 217-231). Springer US.
- Homans, G. C. (1974). *Social behavior: Its elementary forms*. **New York: Harcourt, Brace and Worlds**.
- Jaffee, D. (1998). *Levels of socio-economic development theory*. **Greenwood Publishing Group**.
- Karte, C. D. (1983). The quality of life in rural and urban America. In **Rural psychology** (pp. 199-216). Springer US.
- King, A. (2012). *The structure of social theory* (Vol. 39). **Routledge**.
- Lefcourt, H. M., & Martin, R. A. (1983). Locus of control and the rural experience. In **Rural psychology** (pp. 151-168). Springer US.
- Maslow, A. H. (1968) (2nd edn). **Towards a Psychology of being**. New York: D. Van Nostrand Company.
- Melton, G. B. (1983). Ruralness as a psychological construct. In **Rural psychology** (pp. 1-13). Springer US.



- Moseley, M. J. (2004). Sustainable Rural Development: the Role of Community Involvement and Local Partnerships. **NATO Science Series Sub Series V Science and Technology Policy**, 41, 125-135.
- Rogers, E. M. (1965). Mass media exposure and modernization among Colombian peasants. **Public Opinion Quarterly**, 29(4), 614-625.
- Schimmel, J. (2009). Development as happiness: The subjective perception of happiness and UNDP's analysis of poverty, wealth and development. **Journal of Happiness Studies**, 10(1), 93-111.
- Tonnies, F., & Loomis, C. P. (1957). **Community and society**. Courier Corporation.
- Vanclay, F. (2004). Social principles for agricultural extension to assist in the promotion of natural resource management. **Animal Production Science**, 44(3), 213-222.
- Wang, X., Wang, X., Wu, J., & Zhao, G. (2017). Social Network Analysis of Actors in Rural Development: A Case Study of Yanhe Village, Hubei Province, China. **Growth and Change**, 48(4), 869-882.